



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه
ای، خاور میانه و شمال افریقا

موضوع:

بررسی عوامل داخلی تاثیر گذار بر سیاست
خارجی اسرائیل

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر دوست محمدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر آقایی

دانشجو:

مصطفی توکلی

زمستان ۱۳۸۹

تقدیم بہ

مہسرم

و

پدر و مادر م

کہ من را با وجود تمام کوتاہی ہایم

دوست دارند

چکیده:

تلاش اصلی رساله برای نیل به یک چهارچوب تئوریک صحیح جهت مطالعه سیاست خارجی اسرائیل با مطالعه تئوری ها و مدل های ارائه شده توسط نظریه پردازان سیاست خارجی همراه گردیده است. طرح تئوری ها و الگوهای تحلیل سیاست خارجی در ادامه با بهره گیری از سه الگوی خرد، کلان و تلفیقی (خرد/ کلان) مورد توجه قرار گرفته است. در ضمن با بهره گیری با اسرائیل مدل خاصی به عنوان چارچوب تحلیل سیاست خارجی اسرائیل مورد توجه قرار گیرد.

در گام اول آنچه یک پژوهشگر را در ارائه ی چارچوب تحلیلی سیاست خارجی یک کشور یاری می رساند، توجه خاص به ادبیات سیاست خارجی است. برای آنکه بتوان به یک چهارچوب تحلیلی در فهم سیاست خارجی یک کشور دست یافت، می بایست با روش و اسلوب پژوهشی و فرآیند مشخص گام برداشته و در راستای رسیدن به فهم سیاست خارجی کشورها(که در این رساله تحقیقی، هدف ارائه چارچوب تحلیلی برای فهم سیاست خارجی اسرائیل است) از معنا و مفهوم سیاست خارجی آغاز نمود. توجه به تعاریف، چهارچوب نظری و روش های تحلیل سیاست خارجی و رهیافت ها، اقداماتی است که باید در این تلاش مورد توجه قرار داد. سپس با اتکاء به دستاوردهای فکری پیرامون مباحث نظری، سیاست خارجی را به صحنه عینی که همان تحلیل سیاست خارجی کشورهاست نزدیک نمود.

شود. مطالبی چون مقدمه، اهداف، آید. در ابتدا به کلیات موضوع پرداخته می این پژوهش در سه فصل می شود. گیرد و در نهایت به چارچوب تحلیل و پیشینه پژوهش پرداخته می سئوالات و فرضیه مورد توجه قرار می در فصل اول به ارائه چارچوب تئوریک و مدل تحلیل برای فهم سیاست خارجی اسرائیل می پردازیم. در این فصل ابتدا به تعریف سیاست خارجی، اهداف، اصول و مبانی سیاست خارجی و چارچوب نظری سیاست کنیم و در ادامه به ارائه یک مدل برای فهم سیاست خارجی اسرائیلی و مبانی نظری آن خارجی اشاره می می پردازیم. در فصل دوم میزان اهمیت متغیر مستقل (ماهیت دولت) در عرصه سیاست خارجی اسرائیل (متغیر وابسته) را به آزمون می گذاریم. در فصل سوم به ویژگی های داخلی تاثیرگذار بر سیاست خارجی اسرائیل مطابق با مدل ارائه شده، پرداخته می شود و در نهایت به نتیجه گیری خواهیم پرداخت.

قدردانی

برخودم واجب می‌دانم که در اینجا از اساتید گرانقدرم جناب آقای دکتر دوست محمدی و دکتر آقایی دردانشگاه تهران و در دانشگاه بهشتی مخصوصاً اساتید گرامی دکتر علیرضا ازغندی، دکتر عبدالعلی قوام، دکتر ملک‌یحیی صلاحی، که دریچه‌های علم را بر من گشودند و همچنین دوستان گرامی محسن باقری، حجت‌شاهرخی، محمد مهدی هوشنگ و محمد رضا بهارانی که من را همواره یاری کردند تا به این جا برسم، تشکر کنم.

فصل اول : کلیات

مقدمه.....	۱
طرح مساله.....	۳
پیشینه پژوهش.....	۶
سوال اصلی.....	۹
سوال‌های فرعی.....	۹
فرضیه اصلی.....	۱۰
فرضیه فرعی.....	۱۰
مفروضات.....	۱۰
روش تحقیق.....	۱۱
چارچوب نظری.....	۱۱
سازمان دهی پژوهش.....	۲۹

فصل دوم : بررسی عوامل موثر بر سیاست خارجی اسرائیل

مقدمه.....	۳۲
۱- ماهیت دولت اسرائیل.....	۳۳
۱-۱- صهیونیسم.....	۳۸
۱-۲- دولت کارکردی.....	۵۲

صفحه	عناوین
۵۹.....	۱-۳-قوم محوری.....

فصل سوم : بررسی عوامل داخلی

۶۷.....	۱-خصوصیات جغرافیایی.....
۷۲.....	۱-۱-جغرافیا و امنیت.....
۸۰.....	۱-۲-جغرافیای انسانی.....
۸۸.....	۲-گروه‌های داخلی.....
۹۱.....	۲-۱-ویژگی‌های نظام حزبی اسرائیل.....
۹۱.....	۲-۱-۱-تعداد احزاب.....
۹۱.....	۲-۱-۲-تجزیه‌های درون گروهی و اختلاف حزبی.....
۹۱.....	۲-۱-۳-نقش‌های متعدد.....
۹۲.....	۲-۱-۴-ساختار و رهبری.....
۹۲.....	۲-۲-مبانی تقسیم‌بندی احزاب.....
۹۳.....	۲-۲-۱-احزاب دست چپی.....
۹۴.....	۲-۲-۱-۱-مآپای.....
۹۸.....	۲-۲-۱-۲-کارگر.....
۱۰۱.....	۲-۲-۱-۳-مپام.....
۱۰۵.....	۲-۲-۲-احزاب دست راستی.....

فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۱۰۵.....	۱-۲-۲-۲- حزب لیکود.....
۱۰۸.....	۲-۲-۲-۲- حزب مترقی.....
۱۰۸.....	۳-۲-۲-۲- حزب تسومیت.....
۱۱۰.....	۳-۲-۲- احزاب مذهبی.....
۱۱۰.....	۱-۲-۲-۳- جنبش‌های همزراحی و هاپوئل همزراحی.....
۱۱۱.....	۲-۲-۳-۲- مفدال.....
۱۱۲.....	۳-۲-۳-۲- آگودات اسرائیل.....
۱۱۳.....	۴-۲-۳-۲- حزب شاس.....
۱۱۴.....	۳-۲- مقایسه گروه‌های داخلی.....
۱۱۴.....	۱-۲-۳- اهداف راهبردی و اصول مشترک.....
۱۱۵.....	۲-۲-۳- تفاوت‌ها و اختلافات.....
۱۱۸.....	۳- ویژگی‌های ملی و اجتماعی (فرهنگ) یهود.....
۱۲۴.....	۴- افکار عمومی داخلی.....
۱۲۹.....	جمع بندی.....
۱۳۰.....	نتیجه گیری.....

مطالعات سیاست خارجی از دیر باز مورد توجه پژوهش‌گران و دانشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بوده است. از آن جهت کشورها در تعامل و ارتباط با یکدیگر قرار داشته و این تعامل و ارتباط در طول زمان با تغییرات و تحولات مختلفی همراه بوده است، لذا اهمیت مطالعه سیاست خارجی نیز افزایش یافته است. توجه به روابط خارجی و بین‌المللی کشورها و فضایی که در آن دولت‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند منجر به غنی شدن ادبیات سیاست خارجی در اعصار مختلف شده است. پژوهش‌گران جهت تحلیل روابط خارجی کشورها با یکدیگر، نیازمند تشریح سیاست خارجی بوده‌اند؛ همین‌طور نیاز به تحلیل‌های مقایسه‌ای در سیاست خارجی را رشد و گسترش داد. در همین راستا برخی تلاش‌ها منجر به آن شد تا دسته‌ای از تئوری‌ها و نظریات پیرامون اهداف، شیوه‌ها، برنامه‌ها و نحوه تعامل خارجی کشورها مدون گردد و با گذشت سال‌ها حوزه ادبیات سیاست خارجی به یک مجموعه منظم و مشخص تبدیل شود. همین‌طور گسترش نظری در مقوله سیاست خارجی بود که تفکیک بین سیاست داخلی و خارجی را در راستای ارتباط بین سیاست داخلی و خارجی مطرح کرد. توجه به عوامل داخلی و بین‌المللی در کنار هم رشد یافت و زمینه‌های بروز تئوری‌های جدید در حوزه سیاست خارجی فراهم گردید.

در این فصل ضمن اشاره به ادبیات گسترده در مورد سیاست خارجی سعی می‌کنیم به یک چارچوب تحلیلی برای سیاست خارجی اسرائیل دست یابیم. یکی از مسائل عمده در رشته روابط بین‌الملل فهم عوامل تأثیرگذار بر رفتار خارجی دولت‌هاست؛ اینکه چگونه و چرا دولت‌ها رفتار خاصی را در عرصه بین‌المللی دنبال می‌کنند و اینکه چه عواملی منجر به آن می‌شود که اتخاذ رفتارهای مختلف اقدام نمایند؟ این‌ها از جمله نکات مهم و اساسی مطالعه سیاست خارجی کشورهاست. حال در بررسی سیاست خارجی اسرائیل و اینکه رفتار خارجی این کشورها بر اساس

چه عواملی شکل می‌گیرد و اصولاً چه عواملی در ترسیم سیاست خارجی آن نقش دارند و در نهایت برای فهم سیاست خارجی این کشور، نیازمند یک چهارچوب مفهومی و تئوریک هستیم. در این رساله قصد داریم به ارائه یک چهارچوب تئوریک در فهم سیاست خارجی اسرائیل دست یابیم.

تلاش اصلی رساله برای نیل به یک چهارچوب تئوریک صحیح جهت مطالعه سیاست خارجی اسرائیل با مطالعه تئوری‌ها و مدل‌های ارائه شده توسط نظریه پردازان سیاست خارجی همراه گردیده است. طرح تئوری‌ها و الگوهای تحلیل سیاست خارجی در ادامه با بهره‌گیری از سه الگوی خرد، کلان و تلفیقی (خرد/کلان) مورد توجه قرار گرفته است. در ضمن با بهره‌گیری با اسرائیل مدل خاصی به عنوان چارچوب تحلیل سیاست خارجی اسرائیل مورد توجه قرار گیرد.

در گام اول آنچه یک پژوهشگر را در ارائه ی چارچوب تحلیلی سیاست خارجی یک کشور یاری می‌رساند، توجه خاص به ادبیات سیاست خارجی است. برای آنکه بتوان به یک چهارچوب تحلیلی در فهم سیاست خارجی یک کشور دست یافت، می‌بایست با روش و اسلوب پژوهشی و فرآیند مشخص گام برداشته و در راستای رسیدن به فهم سیاست خارجی کشورها (که در این رساله تحقیقی، هدف ارائه چارچوب تحلیلی برای فهم سیاست خارجی اسرائیل است) از معنا و مفهوم سیاست خارجی آغاز نمود. توجه به تعاریف، چهرچوب نظری و روش‌های تحلیل سیاست خارجی و رهیافت‌ها، اقداماتی است که باید در این تلاش مورد توجه قرار داد. سپس با اتکاء به دستاوردهای فکری پیرامون مباحث نظری، سیاست خارجی را به صحنه عینی که همان تحلیل سیاست خارجی کشورهاست نزدیک نمود.

طرح مساله:

اکنون نزدیک به ۶۲ سال از اشغال سرزمین مقدس فلسطین توسط صهیونیست‌ها و تشکیل رژیم صهیونیستی می‌گذرد. اما واقعیت آن است که این رژیم پس از ۶۰ سال از هنگام تاسیس که با اشغال و خشونت نظامی در سرزمین فلسطین توأم بوده است روندهای اجتماعی متنوعی در درون ساختار اجتماعی خود گذرانیده است.

نکته اساسی طی این شصت سالی که از عمر دولت یهود می‌گذرد این است که اسرائیل از ابتدای شکل‌گیری تاکنون، همواره دغدغه بقای خود را داشته است. اسرائیل در شش دهه حیات خود پنج بار با همسایگان عرب خود جنگیده است و دو بار نیز با شورش و مقاومت گسترده فلسطینی‌های از داخل اراضی اشغالی روبه‌رو شده است. جامعه اسرائیل به لحاظ جامعه‌شناسی مستعد بروز شکاف‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است.

ماهیت دولت اسرائیل (صهیونیسم محوری، کارکردی محوری، قوم محوری) عامل اصلی در شکل‌گیری سیاست خارجی اسرائیل بشمار می‌رود. عوامل داخلی شامل خصوصیات جغرافیائی، گروه‌های داخلی، ویژگی‌های ملی و اجتماعی (فرهنگ) و افکار عمومی داخلی و عوامل خارجی شامل ساختار نظام بین‌الملل، ماهیت اقتصاد جهانی، اتحادهای منطقه‌ای و نهادهای بین‌الملل و حقوق بین‌الملل نیز در زمره عوامل فرعی قرار می‌گیرند. آنچه در شکل‌گیری سیاست خارجی اسرائیل بیش از دیگر عوامل موثر بوده است، مساله ذات و ماهیت دولت اسرائیل است.

ویژگی های ذاتی دولت اسرائیل شامل صهیونیسم محوری، کارکردی محوری و قوم محوری می باشد و این ویژگیهای ذاتی عامل اصلی در تصمیم سازی خارجی اسرائیل در طول سالهای پس از تاسیس تاکنون بوده است.

هرگونه تغییر در سیاست خارجی اسرائیل منوط به تغییر ماهوی دولت اسرائیل است. تجدید نظر در مبانی فکری صهیونیسم، پرهیز از نقش کارکردی برای تامین منافع ایالات متحده در منطقه و پرهیز از سیاست های یهودی محوری و قوم مداری می تواند این تغییر را موجب شود.

اسرائیل کشور کوچکی که در سال ۱۹۴۸ تاسیس شد، تاکنون از سوی بسیاری از تحلیل گران و پژوهش گران سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در تمام این مطالعات، این نکته بیش از همه مورد توجه قرار می گیرد که اسرائیل نمونه خاص و استثنایی است که بالطبع مطالعه و تحلیل جوانب و ابعاد مختلف آن اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، بررسی خاصی می طلبد.

از این رو مطالعه، تبیین و تحلیل رفتار خارجی اسرائیل نیازمند تلاش و کوشش بسیاری است. کشوری که دارای ویژگی های خاصی است ویژگی هائی که در دیگر واحدهای سیاسی جهان کمتر مشاهده می شود. به طبع این ویژگی ها منجر می شود مطالعه رفتارسیاست خارجی این کشور با پیچیدگی های بسیاری روبرو گردد. بسیاری از تحلیل گران، اسرائیل را دارای ویژگی هایی از این قبیل می دانند:

۱- ملت یهودی کوچک

۲- تنها دولت یهودی

۳- بازیگر با اهمیت در منطقه خاور میانه

۴- دارا بودن روابط استراتژیک با ایالات متحده

۵- قرار گرفتن در منطقه پرتخاصم و محاصره توسط همسایگان

۶- عدم وابستگی به اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای

۷- برخورداری از ایدئولوژی و فرهنگ خاص

۸- تمایل به اعطای شهروندی به کلیه یهودیان جهان و تلاش برای محو دیاسپورای یهودیان

۹- برخورداری از سیستم حزبی رقابتی دمکراتیک در داخل برای یهودیان

۱۰- حفظ خویش از طریق بازدارندگی نظامی هسته‌ای

۱۱- وبالآخره امنیت محوری در کلیه ابعاد حکومت می‌دانند.

از این رو مطالعه سیاست خارجی اسرائیل هر چند معتنا به اما محدود است و اندیشمندانی هم که این موضوع را مطالعه نموده‌اند معمولاً به یک وجه خاص اکتفا نموده و کمتر مطالعه‌ای جامع در این زمینه دیده می‌شود.

زیرا اسرائیل خود را یک گروه کوچک دمکراتیک می‌پندارد که در پی حق تعیین سرنوشت- ایجاد دولت- است. این تعریف منجر به بروز بسیاری از مشکلات اساسی و پیچیدگی‌های درونی خواهد شد که در سیاست خارجی متبلور میشود.

دوگانگی سیاست خارجی اسرائیل هم به این پیچیدگی می‌افزاید. اسرائیل از یک سو بلندپرواز است و همواره در جهت توسعه و گسترش مرزهای سرزمینی، قدرت و امنیت خویش در جنگ‌ها و تنازعات منطقه‌ای وارد شده است و از سوی دیگر آسیب‌پذیرترین محیط امنیتی را به خود اختصاص داده است. از زمان شکل‌گیری دولت اسرائیل (۱۹۴۸) تاکنون پنج جنگ منطقه‌ای اتفاق افتاده است که در تمامی آنها اسرائیل توان عظیمی را مصروف داشته است.

ماهیت تصنعی دولت اسرائیل و تاسیس این کشور نیز از جمله نکات مهمی است که تحلیل سیاست خارجی این کشور را با پیچیدگی مواجه می‌کند. اسرائیل با حمایت قدرتهای بزرگ

توانست با تصرف زمینهای اعراب، شرایط ایجاد یک کشور یهودی را در نیمه اول قرن بیستم فراهم کند و با جذب مهاجران یهود به ایجاد یک کشور تصنعی اقدام نماید. این کشور با حمایت قدرتهای بزرگ توانست تا حدودی مشکلات امنیتی پیش روی خود را رفع کند. تحلیل سیاست خارجی در چنین شرایطی، تلاش مضاعفی را می‌طلبد که می‌باید در مطالعه پیش رو مورد توجه قرار داد.

توجه به عوامل مختلف در بررسی چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی اسرائیل و سطح بندی تاثیر هر یک از عوامل، از جمله نکات مهمی است که در پایان نامه پیش رو مورد توجه قرار خواهد گرفت.

❖ **واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، اسرائیل، ماهیت دولت، صهیونیسم محوری. قوم

محوری. کارکردی محوری

پیشینه پژوهش

مطالعه سیاست خارجی اسرائیل به اشکال متعدد از سوی پژوهش‌گران و تحلیل‌گران مسائل سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفته است. پیرامون بررسی و مطالعه ادبیات سیاست خارجی اسرائیل نکاتی چند برای تبیین موضوع ارائه می‌شود.

نکته اول: آنکه در اکثر مقالات و کتب تحقیقی موجود به سیاست خارجی اسرائیل از نگاه روابط خارجی اسرائیل با کشورهای دیگر توجه شده است و از این رو شاهد هستیم کتب و مقالات در سالهای مختلف بر روابط خارجی اسرائیل با دیگر کشورها تمرکز یافته است.

نکته دوم: توجه اصلی پژوهشگران به نگارش کتب و مقالات پیرامون ساختار کشور اسرائیل می‌باشد. در این حوزه سعی می‌شود، اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تاکنون مورد معرفی قرار گیرد.

نکته سوم: توجه بسیاری از پژوهشگران به بررسی روابط اعراب و اسرائیل است.

نکته چهارم: در میان نوشته‌های موجود به کتب و مقالاتی بر می‌خوریم که در آنها سیاست خارجی اسرائیل از منظر تئوریک بررسی شده است و سعی شده است با ارائه چارچوب نظری در جهت فهم سیاست خارجی اسرائیل گام برداشته شود.

نکته نهایی: آنکه در بسیاری از نوشته‌ها نویسندگان از سیاست خارجی اسرائیل با عنوان سیاست امنیتی یاد نموده‌اند. به عبارت دیگر سیاست دفاعی امنیتی و توان این کشور در پاسخگویی به تهدیدات احتمالی از محورهای اصلی سیاست خارجی به شمار رفته است.

از نویسندگان حوزه سیاست خارجی اسرائیل، مایکل برچر است که اثر مشهورش با عنوان سیستم سیاست خارجی اسرائیل در سال ۱۹۷۲ به دنبال فهم سیاست خارجی اسرائیل و فرایندهای تصمیم‌گیری خارجی اسرائیل می‌باشد. در این کتاب وی با ارائه مدل پژوهش که در آن به ورودی‌ها، خروجی‌ها و فرایند اشاره می‌کند به دو محیطی عملیاتی و روانی نیز می‌پردازد.

کتاب دیگری در خصوص بنیادهای سیاست خارجی اسرائیل توسط رابرتز تحت عنوان بقاء یا هژمونی؟ بنیادهای سیاست خارجی اسرائیل نوشته شده که این کتاب نیز به موضوع سیاست خارجی اسرائیل پرداخته است.

کتاب سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه که توسط ریموند هینه بوش و انوشیروان احتشامی تدوین شده است. کتاب از یک فصل تئوریک برای رسیدن به یک چارچوب تحلیل در خصوص سیاست خارجی کشورهای خاور میانه و ۱۴ فصل دیگر تشکیل شده است. کلایوجونز مولف کتاب اسرائیل: چالشهای هویتی دموکراسی دولت می‌باشد. کلایوجونز در این فصل رهیافت واقع‌گرائی را رهیافت موثری برای تحلیل و فهم سیاست خارجی اسرائیل دانسته است.

کتاب تحلیل سیاست خارجی از دیدگاه مقایسه‌ای که توسط ژولیت کاربو، جفری لانتیس و رایان بیزلی تدوین شده است فصل نهم این کتاب تحت عنوان «تداوم و تغییر در سیاست خارجی

اسرائیل» نوشته لورا دریک بیان می‌کند که استراتژی اسرائیل برای تطبیق خویش با دشمنان منطقه‌ای و متحدان بین‌المللی منجر به شکل‌گیری سیاست تهاجمی نظامی و عادی‌سازی روابط با دیگر واحدهای منطقه‌ای از طریق تبادلات اقتصادی و دیپلماتیک شده است.

آلن دوتی از دیگر نویسندگان برجسته حوزه سیاست خارجی اسرائیل تاکنون شش کتاب و مقالات متعددی در حوزه خاورمیانه، سیاستهای اسرائیل و روابط بین‌المللی انتشار داده است. دو مقاله وی تحت عناوین «سیاست خارجی اسرائیل و قضیه یهودی» و «فرهنگ سیاسی یهود و سیاست خارجی صهیونیسم» از جمله مقالات مفید در حوزه سیاست خارجی اسرائیل است.

کتاب صهیونیسم نو و سیستم سیاست خارجی اسرائیل از افراسلیکتار از دیگر نوشته‌های این حوزه است که می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این کتاب در سال ۱۹۸۶ انتشار یافته است. نویسنده به شناخت سیستم فکری در حال تغییر جامعه اسرائیل می‌پردازد و به دو نگاه صهیونیسم سنتی و نو نیز پرداخته است. مولف در قسمت آخر به صهیونیسم جدید و مدلهای رفتاری سیاست خارجی آن اشاره می‌کند.

سازن سوفر استاد دانشگاه اورشلیم از دیگر کسانی است که در حوزه سیاست خارجی اسرائیل دست به تالیفاتی زده است. اثر دیگری از این نویسنده تحت عنوان صهیونیسم و بنیادهای دیپلماسی اسرائیل، این کتاب با دستمایه قرار دادن جزئیات تاریخی، ریشه‌های اندیشه سیاسی یهودی، توسعه و گسترش ایدئولوژی صهیونیستی را در سال‌های قبل از به وجود آمدن اسرائیل مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحلیل نشان‌دهنده آن است که چگونه بنیان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسرائیل در این دوره، مورد کنکاش و گفتگو قرار می‌گیرد و در دیپلماسی جدید اسرائیل بازتاب می‌یابد.

در خصوص منابع فارسی نیز باید اشاره کرد تعداد محدودی مقالات فارسی در چند سال اخیر به نگارش در آمده که بیشتر به جنبه‌های خاصی از سیاست خارجی اسرائیل بخصوص روابط خارجی اسرائیل با دیگر کشورها می‌پردازند. در این زمینه می‌توان به فصلنامه هائی چون فصلنامه مطالعات خاورمیانه که نشریه‌ای تخصصی در رابطه با مسائل خاورمیانه است اشاره کرد که کمتر به موضوع سیاست خارجی اسرائیل به طور مشخص پرداخته است در عین حال پیرامون اسرائیل مقالاتی را به چاپ رسانیده است.

نشریه تخصصی مطالعات منطقه‌ای (اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی) از دیگر مجلات تخصصی فارسی مرتبط با موضوع اسرائیل است. این مجله نیز به حوزه سیاست خارجی اسرائیل به طور مشخص پرداخته است.

رساله دکتری امیر محمد حاجی یوسفی به جهت پرداختن به اصول، اهداف، ابزار سیاست خارجی اسرائیل گامی نخست در حوزه مطالعات سیاست خارجی اسرائیل محسوب میشود که سعی نموده است ابعاد مختلف سیاست خارجی را مورد مطالعه قرار دهد.

سؤال اصلی

سؤال اصلی عبارت است از اینکه: مهم ترین عوامل داخلی شکل دهنده و تاثیرگذار بر

سیاست خارجی اسرائیل بعد از شروع انتفاضه تاکنون چه بوده است؟

سؤال های فرعی

برای پاسخ به سؤال اصلی، سئوالات فرعی متعددی را طرح می‌نمائیم:

۱- اصول اساسی سیاست خارجی اسرائیل کدامند؟

۲- میزان تاثیر ماهیت دولت (متغیر مستقل) در شکل گیری سیاست خارجی اسرائیل (متغیر

وابسته) چگونه است؟

۳- آیا می توان برای آینده سیاست خارجی اسرائیل الگویی را پیش بینی کرد؟

فرضیه اصلی:

ماهیت دولت اسرائیل (صهیونیسم محوری، کارکردی محوری و قوم محوری) عامل اصلی شکل دهنده و تاثیر گذار بر سیاست خارجی این دولت بوده است. عوامل داخلی شامل خصوصیات جغرافیایی، گروه های داخلی، نقش احزاب و گروههای ذینفوذ، مولفه امنیت و توسعه طلبی، ویژگی های ملی و اجتماعی (فرهنگ) و افکار عمومی به عنوان عوامل مهم دیگر در سیاست خارجی اسرائیل به ویژه در دوران انتفاضه نقش داشته اند.

فرضیه فرعی

دولتمردان اسرائیل در پی ریزی سیاست خارجی کمتر از تاثیرات نظام بین الملل متاثر بوده اند و آن زمانی که عوامل بین المللی در شکل گیری سیاست خارجی اسرائیل تاثیرگذار بوده است، می باید به وجود روابط استراتژیک بین ایالات متحده و اسرائیل توجه نمود.

مفروضات

مفروض اول آن است که سیاست خارجی اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تاکنون در یک محیط متخاصم و امنیت محور شکل گرفته است. این کشور به جهت جنگ های متعدد با همسایگان از سال ۱۹۴۸، در سیاست خارجی خویش مولفه های امنیتی را بیش از دیگر مولفه ها داخل نموده است.

همواره حفظ امنیت و بقا اسرائیل اولویت اهداف سیاست خارجی بوده است و با استمرار این وضعیت، امنیت محوری استمرار داشته است.

مفروض دوم آن است که دولت‌های اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تاکنون تمامی تصمیمات خود را بر پایه حفظ کیان و بقای دولت اسرائیل پایه‌ریزی کرده‌اند. به عبارت دیگر، حفظ تمامیت ارضی و بقاء دولت به عنوان یک اصل ایدئولوژیک سیاست خارجی اسرائیل را تحت تاثیر قرار داده است.

روش تحقیق

روش جمع آوری اطلاعات برای به آزمون گذاردن فرضیه فوق، روش اسنادی است. ضمن آنکه به بررسی و مطالعه متون تاریخی - تحلیلی، بررسی مصاحبه‌ها و نقطه نظرات رهبران فکری سیاسی اسرائیل و مطالعه سیاست‌های اعمال شده اسرائیل در عرصه خارجی پرداخته خواهد شد. در این مساله، از نظر ماهیت دولت در آزمون فرضیه استفاده خواهد شد.

بررسی متون سیاست خارجی (چارچوب نظری)

درک سیاست خارجی به عنوان یک موضوع آکادمیک، ریشه‌های عمیقی در حوزه‌های گسترده تری از سیاست عمومی دارد. موضوع سیاست خارجی ریشه اروپایی داشته و با طرح شدن دولت مدرن در قرن هفدهم میلادی ارتباط دارد. از این تاریخ به بعد سیاست خارجی به عنوان حوزه‌ای شناخته می‌شود که با سیاست عمومی متفاوت است. همان گونه که کوهن اشاره می‌کند سیاست خارجی از دیگر حوزه‌های سیاست مهم تراست چرا که بیشتر مربوط به منافع ملی می‌شود تا منافع خاص و ارزش‌های بنیادی. پیامد این تعریف این است که سیاست خارجی در الویت قرار دارد ولذا صاحب نظران و دولت مردان خواستار این بودند که نسبت به افراد مرتبط با سیاست خارجی متفاوت رفتار شود. اما تجربه جنگ جهانی اول نشان داد که می‌بایست این سنت به

پایان برسد. علی رغم شکست پروژه ویلسونی، سیاست خارجی به شدت تحت تأثیر این ایدئولوژی لیبرال و دموکراتیک به خصوص در ایالات متحده قرار گرفت و نتیجه این بود که اکثر فعالیت هایی که بعد از جنگ جهانی رخ دادند یعنی آن زمان که تجزیه و تحلیل سیاست خارجی بسیار سخت و محکم و به طور آکادمیک بنیان نهاده شد، بیشتر با دو جنبه اصلی از این عقاید مرتبط می شد. اول اینکه چگونه نهاد های دولتی که مسئول شکل دهی و اجرای سیاست خارجی بودند، می توانند در انجام کارهای خود کارآمدتر باشند و دوم آنکه چرا و چگونه ارزش های منافع عمومی باید در مرحله شکل گیری و اعمال سیاست خارجی داخل شوند.

با این وجود به همراه سنت سیاست محور و نهادگرا در مطالعه سیاست خارجی که از دستاوردهای آمریکایی است و بعد از جنگ دوم جهانی شروع می شود. حرکت دیگری شکل گرفت که تأثیر بسیاری در روند توسعه موضوع سیاست خارجی داشت. این تفکر که شدیداً تحت نفوذ اروپا بود در تضاد با پروژه ویلسون تعریف می شد، همان واقع گرایی است که تا دهه های متوالی با نام هانس جی مورگنتا شناخته می شود. علاقه اصلی مورگنتا و دیگر واقع گرایان، احیای سنتی قدیمی با ترجمه شعارهای اعمال دیپلماتیک اروپایی قرن نوزدهمی به عنوان قوانین کلی تر علوم اجتماعی آمریکایی بود. مورگنتا در گام اول بر طبیعت منفعت گرای انسان، تأکید نمود و از یک ساختار آنارشیک در نظام بین الملل یاد نمود و کسب قدرت را به عنوان مهم ترین هدف واحد سیاسی قلمداد نمود.

طی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رفتارگرایان در ایالات متحده آمریکا ظاهر شدند. طرفداران این رهیافت بر زاویه گسترش و مطالعه سیاست خارجی تأثیر چشم گیری گذاشتند. تأثیر این رهیافت بر سنت پژوهش نهادگرا شاید به این معنی که منجر به تغییر جدی در این رویکرد شد، عمیق تر است؛ چرا که از یک قدرت تفکر هنجاری که یا اشکال خاصی از سیاست خارجی را تحلیل کرده و یا ابزار

بهتری را برای شکل دهی و اعمال آن ارائه می دهد، به شخصیتی تبدیل کرد که هدفش زایش و آزمایش فرضیه هایی به منظور ایجاد و رشد حجم انبوهی از قانون های تجربی بود. تمایز اصلی این تغییر بنیادی تئوریک و روش گرایانه جنبشی بود که در اواخر ۱۹۶۰ آغاز گردید و به عنوان مطالعه مقایسه ای سیاست خارجی (CFP) شناخته شد. در این رهیافت، سیاست خارجی همان اعمال نفوذ در روابط بین الملل و وقایع مهم است بدان معنا که چه کسی می کند و چگونه این کار را انجام می دهد؟ جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل وقایع با هدف به وجود آوردن و انباشتن نتایج تجربی در خصوص رفتار سیاست خارجی، سبب تبدیل مطالعه سیاست خارجی مقایسه ای به یک صنعت عظیم شد. با تمام موفقیت هایی که رهیافت رفتارگرایی به دست آورد،

بسیاری از تحلیل گران معتقدند این رهیافت با شکست مواجه شده است و نتایج تجربی برنامه های اصلی پژوهش که در طی این سال ها به دست آمده بود، ناامیدانه بوده است.

با این وجود مطالعه سیاست خارجی مقایسه ای، آن نوع از تجزیه و تحلیل را که عمدتاً بر روی مراحل تصمیم گیری سیاست خارجی و عوامل روانی - اجتماعی یا موقعیتی سیاست خارجی که بر روی رفتار تأثیر می گذارند متمرکز بود، رها نمود. اسناپدر، بروک و ساپین اولین کسانی هستند که مطالعات وسیعی در خصوص تصمیم گیر یانجام دادند. مطالعات ایشان تبدیل به تحقیق گسترده ای شد. به طور مثال ایشان بر پویایی گروه های کوچک بسیار تمرکز نمودند.

رهیافت "سیاست بوروکراتیک" با انتشار مطالعه بحران کوبا توسط گراهام آلیسون در سال ۱۹۷۱ و نیز تلاش برنر برای ارائه سیاست گذاری خارجی به عنوان روندهای سایبرنتیک، معروف گردید.

تلاش دیگر بر روندهای خاص تصمیم گیری تمرکز داشت و بر ابعاد مشخص فرایند تصمیم گیری تأکید می نمود. این مطالعه نتایج متعددی را در برداشت که مهم ترین آن را می توان در مطالعه

مایکل برچر در خصوص سیاست خارجی اسرائیل (۱۹۷۲) و کتاب دارک و سوی ادراک رابرت